

باسمه تعالی

عنوان: درس:	درس خارج فقه الصلاة	سال تحصیلی: 1399-1400	تاریخ: درس: 1399/7/13
عنوان فرعی 1	فقه الصلاة		
عنوان فرعی 2	جلسه سیزدهم - حد تقصیر		
عنوان فرعی 3	بررسی توثیق عام مستفاد از مشایخ ثلاث		
مقرر:	حجت الاسلام والمسلمین اصغر حیدری و سجاد آریس		

حد تقصیر:**بررسی توثیق عام مستفاد از مشایخ ثلاث****خلاصه جلسه گذشته**

بحث ما در مسائید و مراسیل مشایخ ثلاثه بود و گفته شد در طی چند مطلب بحث در باره شهادت عامه شیخ ره را بر وثاقت من یروون و یرسلون عنه مشایخ ثلاثه را بررسی می کنیم. بحث اول به پایان رسید و در آن به شهادت شیخ ((ره)) پرداخته شد و اینکه مضامین این شهادت چیست و اینکه این شهادت خون؛ منحل به دو شهادت کلی می شوند.

مطلب دوم: کلام مرحوم نجاشی ره

بحث امروز ما در مطلب دوم است. این شهادت شیخ ره بوسیله شهادت نجاشی ره در کتاب رجال تایید و تحکیم و تثبیت می شوند (مخصوصاً در رابطه با مراسیل ابن ابی عمیر).

مرحوم نجاشی در پایان ترجمه ابن ابی عمیر چنین دارند:

وقیل: ان أخته دفنت كتبه فد حال استتارها و كونه فد الحبس أربع سنين فهلكت الكتب و قيل: بل تركتها فد عرفاً فسأل عليها المطر فهلكت فحدث من حفظه. و ما كان سلف له فد أي الناس فلهدا أصحابنا يسكنون الی هراسیله¹

این عبارت شهادت شیخ ره را تایید می کند؛ در جایی که شیخ فرمود اصحاب یعملون بهراسیل ابن ابی عمیر. و این بیند مانده قائمه بر توثیق اصحاب نسبت به من یرسلون عنه الشائنه است.

در این شهادت نجاشی **” فلهدا أصحابنا يسكنون الی هراسیله ”** یسكنون یعنی یثقون و یطمأنون و این هم شهادتی است بر اینکه اصحاب توثیق عملی می کردند نسبت به من یرسل عنه ابن ابی عمیر.

دلالت التزامی شهادت بر عمل به مسانید ابن ابی عمیر

ما اینجا یک حرفی داریم که این شهادت اصحاب یا شهادت نجاشی یا شهادت شیخ بر اینکه **أصحابنا يسكنون الی هراسیله** این دلالت التزامی آن این است که **أصحابنا يسكنون الی مسانیده ایضا** یعنی احتمال اینکه اصحاب تنها به هراسیل ابن ابی عمیر عمل کنند و به مسانید او عمل نکنند این وجود ندارد و هیچ داعی عقائدی برای چنین عملی وجود ندارد. و لذا به دلالت التزامیه دلالت بر توثیق مسانید ابن ابی عمیر دارد.

1: رجال النجاشی ص 327

مطلب سوم: اقوی بودن شهادت شیخ ره نسبت به شهادت خاصه

این شهادتی که اینجا از شیخ برگزیده می‌شود و یرسلون عنه و یرسلون عنه و یرسلون عنه یا شهادت نجاشی در تأکید بر وثاقت من یرسل عنه ابن ابی عمیر آمده است این شهادت؛ شهادت عامه‌ی معتبره‌ای است بلکه شهادت عامه‌ی شیخ از سایر شهادت عامه‌ی اقوی است و این شهادت عامه هم نیست باقل من شهادت الخاصه یعنی فرقی بین شهادت خاصه و عامه در حجیت وجود ندارد. این شهادت عامه شیخ در العده بر اینکه اصحاب یعملون بهر اسبیل رجال ثلاثه این اقوی از سایر شهادت عامه است. چون این شهادت متضمن دو شهادت است زیرا هم شهادت خود شیخ است بر وثاقت من یرسلون و یرسلون عنه (فان کان یعلم انه لا یرسل الا عن ثقه) و علاوه بر این شهادت شیخ بر اینکه اصحاب هم كانوا یعملون بدلیل عبارت انهم عرفوا ان الاصحاب لا یرسلون الا عن ثقه. فلذا این شهادت، شهادت عامه دو کاره است؛ به این معنا که هم شهادت عامه خود شیخ است، هم شهادت عمل اصحاب به ما یرسلون عن این سه بزرگوار است.

مطلب چهارم: اعتماد بر هر اسبیل فرع بر اعتماد بر مسانید است.

بلکه این را اضافه می‌کنیم که اعتماد بر هر اسبیلشان این فرع بر اعتماد بر مسانیدشان بوده است یعنی چون بر مسانیدشان اعتماد داشته‌اند و دیدند روایتی که این ثلاثه از آنها روایت می‌کنند همه معتبرند لذا اعتماد بر هر اسبیل آنها نیز می‌گردند. این اعتماد بر هر اسبیل ابتدائاً متصور نیست بلکه اعتماد بر هر اسبیل فرع اعتماد بر مسانید است مثلاً اعتماد بر هر اسبیل ابن ابی عمیر فرع بر اعتماد بر مسانید ابن ابی عمیر بوده است.

از مسانید ابن ابی عمیر پی به وثاقت من یروی عنه الثلاثه برده‌اند. فلذا این مساله؛ مطلب چهارم ما است که شهادت شیخ بر وثاقت من یروی عنهم الثلاثه فی مسانیدهم این دلالت التزامی دارد بر وثاقت من یروی عنهم الثلاثه یعنی همان‌همه هست بین

و ثاقب من یروی عنه الثکالیف فی مسانیدهم و بین من یروی عنهم الثکالیف فی مراسیلهم. این بیان می خواهد و این حرف ها است و ندیدم بزرگواران این حرف را زده باشند فلذا نیامند توضیح و بیان است .

ما چند بیان داریم برای اثبات اینکه شیوخ این بزرگان در مراسیل همین شیوخشان در مسانیدشان هست و اینکه شیوخشان در مراسیل خارج از شیوخشان در مسانید نیست و لذا اگر کسی بگوید که شهادت شیخ بر وثاقت من یسندون عنه شهادت عامه معتبره ای است لازم معتبر بودن این شهادت معتبر بودن من یرسلون عنهم است .

بیان اول

خود اینکه شهد اصحاب بر صحت مراسیل ابن ابی عمیر چون اصحاب می دانستند که من یرسلون عنه الثکالیف همین هایی هستند که یسندون عنه و چون واضح است که اگر ایشان ابتداً بگویند من یرسلون عنه الثکالیف؛ ثقه هستند این احتمال اصداً محتمل نیست به این دلیل که نمی دانند مشایخ ذکر نشده چه کسانی هستند فلذا ظهور شهادت شیخ بر این که اصحاب من یرسلون عنه الثکالیف را ثقه می دانستند و بر وثاقت آنها شهادت داده اند به این دلیل است که ، من یرسلون عنهم کسی غیر از من یسندون عنهم نبوده است . و این مسأله به این معنا است که مشایخ ابن ابی عمیر در مسانیدش را دیدند و همه ثقه بوده اند و لذا گفته اند که یرسلون عن ثقه و مرانشان همین ثقات مسانید است . و الا اگر این را نگوئیم باید بگوئیم اصحاب وثقوا من لا یعلمونه و یجهلونه اسما و شخصاً و صفاً.

حرف ها این است که ابن ابی عمیر به خاطر نداشتن که هشدار روایت خاصی را که در دست داشته است؛ از کدام یک از مشایخ خود ذکر کرده است؛ و نه اینکه اصداً نداند این روایت مال چه کسی بوده است و مجهول صرف باشد

بنابر این معنی توثیق مشایخ ثنائیه در مسانید هم این کلمه اش توثیق مشایخ ثنائیه در مسانید هم است؛ به دلیل اینکه ظهور این توثیق این است که توثیق خود آن مشایخ مسانید است و این که توثیق مشایخی باشد که اصلاً ندانیم آنها چه کسانی هستند این توثیق معنی ندارد و محتمل نخواهد بود.

بیان دوم

مشایخ ابن ابی عمیر و بزظی و صفوان در روایات مسانید آنها معروف هستند؛ مثلاً جناب ناوری در کتاب اصول علم الرجال مشایخ هر سه را جمع کرده است با اسمی آن بزرگواران و حدود 767 رجل هستند. مرحوم عرفانیان تک تک روایت مشایخ ثنائیه را بیان کرده و درباره ابن ابی عمیر فرموده مشایخ او در مسانیدش 415 نفر هستند البته با حذف مکررات، سپس می گویند: نست اقول انی ظفرت علی جمیع من اسند شیخنا الازنی (ابن ابی عمیر)...

بعد ایشان مشایخ صفوان را 222 راوی ذکر کرده است.

مشایخ بزظی را 119 رجل هستند.

حرف ما در بیان دوم این است که یک راوی مثل ابن ابی عمیر که 400 شیخ معلوم الاسم و الوصف دارند؛ حالا اگر روایتی را بدون اسم راوی نقل میکنند احتمال اینکه این راوی که اسم او برده نشده است، خارج از این 415 نفر باشد خیلی احتمال ضعیفی است که لا یعنی به.

حرف در این است که اگر کسی شهادت در من اسند عنه را پذیرفت باید شهادت در من اسند عنه را هم بپذیرد و تفصیل بین این دو بی معنی است

بعبارة اخري کسی که از حدود 400 راوی یا بیشتر از مشایخ خود روایت نقل کرده است و اسامی مشایخ خود را برده است حال روایاتی دارد که اسامی مشایخ خود را نبرده است، احتمال اینک که این هراسیل از غیر از این 400 نفر باشد نزدیک به صفر است.

بنابر این تفصیل بین قبول این شهادت در مسانید ابن ابی عمیر و عدم قبول آن در هراسیل ابن ابی عمیر این تفصیل به جایی نیست.

”والسلام علیکم ورحمة الله“